

حقوق بشر در صنعت معادن

عطا اصغر صالحی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

چکیده

حقوق بشر به عنوان یکی از مهمترین مباحث اجتماعی و سیاسی در قرن بیستم و بیست و یکم همواره مورد توجه پژوهشگران، فعالان اجتماعی و دولت ها قرار گرفته است. این حقوق که در برگیرنده آزادی، برابری و کرامت انسانی هستند، به ویژه در زمینه های اقتصادی و محیط زیستی اهمیت ویژه ای پیدا کرده اند. یکی از حوزه های خاصی که حقوق بشر در آن به شدت تحت تأثیر قرار میگیرد صنعت معدن است. معادن به عنوان منابع کلیدی برای تأمین مواد اولیه بسیاری از صنایع نقش اساسی در توسعه اقتصادی کشورها دارند با این حال استخراج و بهره برداری از این منابع می تواند پیامدهای جدی برای حقوق بشر به ویژه حقوق جوامع محلی، محیط زیست و کارگران داشته باشد. در بسیاری از کشورها فعالیت های معدنی با نقض حقوق بشر همراه است، از جابجایی اجباری جوامع محلی گرفته تا آلودگی محیط زیست و شرایط نامناسب کار برای کارگران. این مقاله بنابر مقتضای ذات نظری موضوع پژوهش، به شیوه توصیفی و تحلیلی گردآوری شده و به بررسی چالش های حقوق بشری ناشی از فعالیت های معدنی می پردازد. در ادامه ابتدا به بررسی اصول بنیادین حقوق بشر و نحوه تأثیرگذاری آنها بر صنعت معدن و سپس به تحلیل نمونه های مشخصی از نقض حقوق بشر در این صنعت خواهیم پرداخت و در نهایت، راهکارهای احتمالی برای بهبود وضعیت موجود و تضمین رعایت حقوق بشر در فعالیت های معدنی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. با توجه به اهمیت روزافزون توجه به حقوق بشر در سیاست گذاری های اقتصادی و زیست محیطی، این پژوهش میتواند به درک عمیق تری از چالش ها و فرصت های موجود در زمینه حقوق بشر و معادن کمک نماید و راهکارهایی عملی برای ارتقاء عدالت اجتماعی و حفاظت از حقوق انسانی در این حوزه ارائه دهد..

واژگان کلیدی

حقوق بشر، حقوق معادن، اصول داوطلبانه، آلودگی معادن

۱. دانشجوی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، مراغه، ایران. (Ata.asghar.salehii@gmail.com)

۱. مقدمه

استخراج معادن از دیرباز بخشی جدایی ناپذیر از ساختار معیشتی و سیستم های اقتصادی جوامع روستایی خاص بوده است. فوریت برای نیاز و افزایش امنیت حیاتی مواد معدنی باعث شده است که کشورهای توسعه یافته اقتصادی با سرعتی بی سابقه برای تصاحب کشورهای غنی از منابع و از نظر اقتصادی کمتر توسعه یافته با یکدیگر به رقابت پردازند. در چند دهه اخیر افزایش شدید پروژه های معدنکاری در آفریقا و آمریکای جنوبی برای کالاهایی مانند لیتیوم، گرافیت، مس، نیکل و خاک های کمیاب که برای انتقال انرژیهای تجدیدپذیر و رسیدن به جاهطلبیهای خالص بسیار حیاتی هستند، بیانگر این رقابت شدید است. میراث نقض حقوق بشر در بخش معدن قرن هاست و با استعمار، الماس خونی، غصب زمین که گروه های بومی را آواره می کند، آلودگی مواد غذایی که جوامع اطراف را تحت تاثیر قرار می دهد، و زور کشنده علیه کارگرانی که برای دستمزد غیرقابل زندگی تظاهرات می کنند مشخص شده است. استخراج معادن به صورت غیررسمی در کشورهای در حال توسعه همراه با چالش های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی انجام می شود و شرکت های معدنی به دلیل همدستی در نقض حقوق بشر اتباع کشور میزبان از جمله جمعیت های بومی در معرض خطر، همواره مورد انتقاد شدید قرار گرفته اند. به تدریج شرکت های معدنی از پیامدهای حقوق بشر فعالیت های خود در جایی که فعالیت می کنند آگاه تر می شوند و به پیامدهای تجاری مثبت برخورد مناسب با مسائل حقوق بشر پی می برند. احترام به حقوق بشر به محافظت و حفظ شهرت شرکت منجر شده و به ایجاد جامعه ای باثبات و صلح آمیز کمک می کند که باعث می شود کسب و کارها بتوانند رونق بگیرند و شرکت ها کارمندان با کیفیت بالاتر را جذب نمایند. مجموعه ای جامع از مقررات حقوق بشر به وضوح در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ بیان شده و توسط اکثر دولت ها پذیرفته شده است، به اضافه دو میثاق (در مورد حقوق مدنی و سیاسی، و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، کنوانسیون های اصلی از جمله حقوق کودک، حذف تبعیض علیه زنان، رفع تبعیض نژادی، منع شکنجه و بسیاری از کنوانسیون های سازمان بین المللی کار (ILO). بر اساس این اسناد سازمان ملل، دولت ملی مسئولیت اصلی اجرای حقوق بشر را بر عهده دارد. با این حال، روندهای مختلف معاصر، حقوق بشر را به یک مسئولیت بر دوش شرکت ها نیز مبدل می نماید که منشاء این مسوولیت را می توان در تاثیر جهانی شدن تجارت جستجو کرد. از دلایل پررنگ شدن مسئولیت شرکت ها می توان به: افزایش حساسیت عمومی نسبت به شرایط کار و محیطی، تقاضای سهامداران و سایر ذینفعان برای پاسخگویی عمومی، توجه بیشتر سازمان های غیردولتی (NGO) به رفتار شرکت ها و افزایش اتکا به انطباق داوطلبانه با استانداردهای بین المللی شرکت اشاره نمود.

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به مقتضای ذات نظری موضوع حقوق بشر در صنعت معادن، به شیوه توصیفی، تطبیقی و بعضاً به شیوه تحلیلی گرد آوری شده و همچنین از روش کیفی و با تکیه بر بررسی رویکردهای حقوقی کشورهای صنعتی در مواجهه با نقض حقوق بشر و بررسی ادبیات نویسندگان و صاحب نظران مختلف از جمله مجلات، مقالات دانشگاهی، مقالات آنلاین در نوشتن این پژوهش بهره می برد.

۴. یافته های پژوهش

مطابق آمار رسمی منتشر شده توسط سازمان ملل، تخمین زده میشود که سالانه حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ کارگر معدن در حوادث مختلف جان خود را از دست می دهند، نرخ مرگ و میر در معادن معمولاً بین ۰٫۱ تا ۰٫۲ مرگ به ازای هر ۱۰۰۰

کارگر در سال متغیر است. در چند سال گذشته، گسترش سازمانهای بین المللی، نهادهای ملی و سازمانهای غیردولتی و همچنین گسترش دعاوی داخلی به صلاحیت قضایی در سراسر جهان منجر به جلب توجه بیشتر مشکل نقض حقوق بشر در صنعت معادن شده است. امروزه تلاش های فراوانی صورت گرفته است تا حقوق بشر در یک بستر قانونی یا شبه قانونی تعریف شود. در عین حال، شرکتهای معدنی، که مثل همیشه به نتیجه نهایی توجه دارند، متوجه شده اند که در صورت عدم توجه به شرایط، نیازها و حقوق کشورهای میزبان و به ویژه جوامع محلی در محل عملیات معدنی آنها، در صورت بدتر شدن شرایط و افزایش نقض حقوق بشر، باید سرمایه گذاری خود را کنار گذاشته و یا بفروشند

حقوق بشر

حقوق بشر حقوقی است که همه افراد به واسطه انسانیت صرف نظر از جنسیت، نژاد، رنگ، مذهب، عقاید سیاسی، عقاید مذهبی یا موقعیت اجتماعی خود از آن برخوردارند. این حقوق از طریق معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد در حقوق بین الملل گنجانده شده است. حقوق بشر را می توان در پنج دسته کلی تقسیم بندی نمود که عبارتند از: حقوق مدنی، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی. حقوق مدنی و سیاسی موضوعاتی مانند: برابری در مقابل قانون، منع شکنجه، آزادی عقیده و بیان، آزادی اندیشه، آزادی مذهب و حق شرکت در انتخابات را در بر می گیرند. همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به موضوعاتی پیرامون حق اشتغال، استانداردهای مناسب زندگی، مسائل زیست محیطی، بهداشت و آموزش می پردازند. حقوق بشر غیر قابل تقسیم است یعنی، حقوق مدنی و سیاسی نباید بیشتر از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. همچنین نباید از ناکامی دولت در تضمین برخورداری کامل از حقوق اقتصادی و اجتماعی برای توجیه انکار حقوق مدنی و سیاسی استفاده کرد. تاریخ بارها نشان داده است که تمایزی که اغلب بین این دسته از حقوق ایجاد می شود، غیر واقعی است. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تضاد با حقوق مدنی و سیاسی نیست، بلکه متقابلاً باعث تقویت هم دیگر می شوند. به عنوان مثال، حق هر کس برای برخورداری از شرایط عادلانه و مساعد در کار (ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در عمل به وضوح با این حق مرتبط است که هیچ کس ملزم به انجام آن نیست. کار اجباری یا اجباری (ماده ۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی).

استانداردهای جهانی حقوق بشر به طور کلی به رسمیت شناخته شده و دارای یک مبنای حقوقی مستدل هستند. اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ که توسط اکثر کشورهای تأیید شد، با دو میثاق اصلی که در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید، ادامه پیدا کرد. حقوق بشر به طور رسمی توسط سازمان های مختلف منطقه ای پذیرفته شده است و بسیاری از کشورها قوانین حقوق بشری خاصی را دنبال می نمایند. اصطلاح حقوق بشر دلالت بر این دارد که همه مردم باید از آن برخوردار باشند. اخلاق گرایان سکولار حقوق را در چارچوب آزادی و منفعت عمومی مربوط به حفاظت از تمامیت انسانی، آزادی و برابری مورد بحث قرار می دهند اما حقوق بشر بیانگر ارزش های جهانی است که از مرزهای فرهنگی و ملی فراتر می رود و منعکس کننده اصول و آموزه های همه ادیان اصلی است. معاهدات حقوق بشر توسط دولت های غربی دیکته نشده است، بلکه توسط کارشناسانی از سراسر جهان تهیه و تنظیم گردیده است. کشورهایی از تمام نقاط جهان، به نمایندگی از تمام سنتهای مهم مذهبی و فرهنگی، داوطلبانه این معاهدات را تصویب کرده اند و خود را متعهد به حمایت و ارتقای حقوق بشر میدانند. در نتیجه، این دولت است که وظیفه اصلی حمایت و ارتقای حقوق بشر برای همه افراد در حوزه

قضایی خود را دارد و همچنین، دولت‌ها نباید خودشان این حقوق را نقض کنند یا از طریق انفعال یا سهل‌انگاری اجازه سوء استفاده از آن حقوق توسط بازیگران غیردولتی را بدهند.[۱]

نقض صریح حقوق بشر توسط شرکت‌های معدنی

سازمان‌های بین‌المللی، جوامع مدنی و آژانس‌های بین‌دولتی به طور کلی شرکتها را برای مشارکت در فعالیتهای مثبت برای حمایت از حقوق بشر تحت فشار قرار میدهند، به عنوان مثال، سازمان عفو بین‌الملل یک کد عملی برای شرکتها پیشنهاد داده است و یا اتحادیه بین‌المللی کارگران شیمیایی، انرژی، معدن و کارگران عمومی، ICEM، پیشنهادی برای استانداردهای جهانی در مورد حقوق کار ارائه داده است که در قراردادهای کاری گنجانده شود یا توسط شرکتها مورد تأیید قرار بگیرد، با این وجود در برخی از موارد، مسئولیت نقض قوانین حقوق بشر مستقیماً بر عهده خود شرکت‌هاست که در ادامه به تعدادی از آنها خواهیم پرداخت.

الف) حقوق مردم بومی در حوزه‌های عملیات معدنی: مردم بومی همواره با مسائلی در مورد مالکیت زمین، قدرت تصمیم‌گیری در مورد آینده خود، استحقاق بهره‌مندی از مزایای توسعه، شکل مناسب توسعه جامعه، روابط با دولت، و معدنچیان غیربومی در مقیاس کوچک و صنعتگر روبه‌رو بوده‌اند. در کشور‌های توسعه نیافته، در برخی از موارد، مردم بومی به دلیل نبود امکانات اولیه زندگی، وجود فقر، نبود کار و عدم حمایت دولت میزبان، همواره مورد استعمار شرکت‌های معدنی قرار گرفته و اساساً در فضای سیاسی متفاوت از سایر ذینفعان قرار می‌گیرند. در راستای حمایت از مردمان بومی، سازمان ملل متحد، در سپتامبر سال ۲۰۰۷، اعلامیه پیشنهادی OAS در مورد حمایت از حقوق مردم بومی را منتشر نمود. با این وجود، تنها تعداد کمی از کشورها به آن پیوسته و از آن حمایت کرده‌اند.

ب) مسائل مربوط به تعارض حول محور حقوق کار: میزان احترام به حقوق کار در داخل شرکت‌های معدنی خود آزمون مهمی برای احترام کلی آن‌ها به حقوق بشر است. حقوق کار، حقوق بشری است که آزادی تشکل‌ها و حق چانه‌زنی جمعی در ارتباط با سایر حقوق را در بر می‌گیرد. بسیاری از کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار، حقوقی را مانند حقوق علیه کار اجباری، حقوق بهداشت و ایمنی، حقوق علیه کار کودکان و غیره تعریف مینمایند. در برخی از موارد، قوانین حقوق کار خود منجر به ایجاد درگیری در نقاط خاصی میشوند. به عنوان مثال، هر ماه شش عضو اتحادیه کارگری در کلمبیا کشته میشوند و یا اتحادیه‌های کارگری، گهگاه در قراردادهای کاری خود درباره نظارت کارکنان بر نقض حقوق بشر با یکدیگر مذاکره می‌نمایند. در حالی که شرکتهای معدنی بزرگ از کودکان کار در فعالیتهای خود استفاده نمیکنند، اما زمانی که زنجیره تامین غیرمستقیم که فعالیتهای آنها را حفظ یا خدمات میدهد، باعث ایجاد نگرانی‌هایی مانند اردوگاههای معدن، فحشا، خدمات غذایی با استفاده از کودکان یا استفاده از کودکان شده و شرکت‌های معدنی برای محافظت از گروههای آسیب پذیر به چالش کشیده میشوند. در حالی که برخی از شرکتهای معدنی بزرگ سیاستهای حقوق بشری را توسعه داده‌اند، برخی دیگر همچنان به صورت موردی فعالیت میکنند و به واحدهای تجاری محلی خود اجازه میدهند تا درک بهتری از مسائل حقوق بشر و پیامدهای عملکرد خود داشته باشند. با این وجود، جامعه مدنی انتظار دارد که شرکت‌های معدنی تعهد صریح برای حمایت و ارتقای حقوق بشر داشته باشند. به نظر می‌رسد که این روند به سمتی خواهد رفت که همه شرکت‌های بزرگ معدنی کدهای رفتاری مرتبط با حقوق بشر را تدوین و اجرا نمایند. بسیاری از آنها قبلاً چنین کدهای رفتاری را تدوین یا منتشر کرده‌اند.[۲]

پ) مسائل مربوط به کشورهای منزوی و در حال شکست: شرکتهای معدنی که در ایالتهای ضعیف یا در حال ورشکستگی مانند میانمار که ناقص حقوق بشر هستند فعالیت میکنند، در جامعه جهانی بسیار مورد انتقاد قرار می گیرند، زیرا هر فعالیت شرکت معدنی میتواند به عنوان حمایت از یک رژیم سرکوبگر تعبیر شود. در این مورد، نقطه تعارض آشکاری با جامعه مدنی در مورد مسائل حقوق بشر وجود دارد. سوالاتی از سوی منتقدان به چنین کشورهایی در مورد مشروعیت رژیم و حق آن برای اجازه دادن به شرکت های خارجی برای توسعه منابع دولتی مطرح می شود.

ت) تأثیر شرکت معدنی بر حقوق بشر در یک کشور:

اولین تأثیر بر چرخه مواد معدنی در یک کشور در مرحله اکتشاف رخ می دهد. در طول اکتشاف اولیه، زمین شناسان، ژئوفیزیکیدانان، ژئوشیمیدانان و دیگران برای انجام ارزیابی های فنی اولیه نیاز به دسترسی به زمین دارند. پرسنل اکتشاف ممکن است وعده های ظالمانه ای را به جوامع محلی بدهند که توانایی انجام آنها را ندارند. به عنوان نمونه می توان به اکتشافات طلا در پاپوآ در دهه ۱۹۲۰ اشاره نمود، این معادن طلا ماجراجویان بسیاری را به سمت خود جذب نمودند. مدیران استعماری در حین جمع آوری حق امتیاز و هزینه های مجوز، تخلفات را نادیده گرفتند و از معدنچیان طلا استقبال کردند. معدنچیان گهگاه کسانی را که واکنش تهاجمی به نفوذ آنها نشان میدادند، به ضرب گلوله میقتل می رساندند. در این معادن، سوء استفاده از نیروی کار رایج بود و اهالی گینه جدید با کلنگ و بیل دستمزدهای بسیار کمتری نسبت به صنعتگران استرالیایی دریافت میکردند و مردان کم و بیش به کار سنگین فراخوانده می شدند. بسیاری از ملانزیایی ها بر این باورند که این الگوی استثمار بی رحمانه ایجاد شده از بین نرفته و تا امروز نیز ادامه پیدا کرده است. در این راستا، شرکت های اکتشاف و معدن باید از میزان تماس خود با جامعه محلی آگاه باشند و در مرحله اولیه توضیح دهند که چه کاری انجام می دهند. با این حال، این عمل ممکن است با نیاز به رازداری در مرحله اکتشاف یا حداقل تا زمانی که امتیاز تضمین شود، در تضاد باشد. مرحله ساخت و ساز مرحله ای است که بیشترین تأثیر و برخورد را با جامعه محلی دارد، زیرا تعداد زیادی از مردم برای ساخت معدن و کارخانه وارد می شوند و پروژه به طور بالقوه در آسیب پذیرترین حالت خود قرار دارد. اکتشافات، تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیاری بر حقوق بشر دارند، که از جمله مهمترین آن ها می توان به پرداخت غرامت اشاره کرد. پرداخت غرامت به صاحبان زمین برای از دست دادن حقوق مالکیت آن ها ممکن است نیاز به در نظر گرفتن استانداردهای زندگی و به اندازه و میزان زمینی که قبلاً ارائه شده بود، داشته باشد. پروژه معدن پانگونا شامل تاسیس جاده ها، تأسیسات بندری، نیروگاه ها، شهر جدید در آراوا، مسکن کارکنان، بهداشت، آموزش و امکانات ورزشی بود. در حین ساخت و ساز و بعداً در حین عملیات، تعداد کمی از روستاییان اطراف محل معدن به کار گرفته شدند. معدن با تخریب و محدود کردن دسترسی به زمین های کشاورزی، باعث کمبود زمین برای باغداری معیشتی و کشت محصولات کشاورزی شد. قبل از توسعه معدن، بوگونیل ها به کشاورزی وابسته بودند و پس از بسته شدن آن به دلیل فقدان سایر فعالیت های اقتصادی پایدار، وابستگی بیشتری به کشاورزی پیدا کردند. از این رو، از دست دادن یا آسیب رسیدن به زمین، هرگونه مبنایی را که به بقای آنها بستگی دارد را تهدید می کرد. بعد از توسعه معدن، عملیات معدنی جایگزین زمین های کشاورزی شد. دفع مواد معدنی و باطله، به از دست رفتن زمین در دره رودخانه جبا و همراه با آن آلودگی آب آشامیدنی و از بین رفتن مناطق شکار و ماهیگیری منجر گردید. رسوب باطله ها همچنین رودخانه های انشعاباتی را مسدود کرده و باعث جاری شدن سیل و از بین رفتن رودخانه ها گردید از این رو ماهی ها دیگر نمیتوانستند برای تخم ریزی مهاجرت کنند و دسترسی به مناطقی به ویژه در کرانه شمالی جبه را دشوار و خطرناک کرده بود. مردم

بوگونیل از این رفتار ناعادلانه آشکار و حقوق کار خود بسیار ناراضی بودند. مشکلات بوگونویل منعکس کننده ترکیبی از پیچیدگی های فرهنگی است، از جمله جامعه مرد سالار که در آن مردان از طریق کشاورزی امرار معاش می کردند. شرکت ها وارد شدند و مردان را استخدام کردند، مردان رفتند و جامعه بی ثبات شد. مورد بوگونویل نشان می دهد که چگونه شرکت های معدن و اکتشاف باید از ماتریس قدرت ذینفعان در شرایط از قبل موجود آگاه باشند و نظر مردم محلی درگیر را تجزیه و تحلیل نمایند. آنها باید از رویکرد خودسرانه اجتناب کرده و آگاه باشند که ممکن است تفاوت های عمیقی در ارزشها وجود داشته باشد، همچنین باید در نظر داشته باشند که هرگاه تحولات معدن در جامعه های رخ دهد، تأثیر عمده های بر حقوق بشر جوامع در تمام مراحل چرخه معدن خواهد داشت. [۳]

استانداردها، کدها و اصول داوطلبانه

اگرچه استانداردهایی تحت عنوان کدهای موجود و اصول داوطلبانه وجود دارند، اما سؤال اصلی این است که چگونه می توان آنها را قابل اجرا نمود. ایجاد استانداردهای پاسخگویی اجتماعی دشوار است. هیچ GAAP (اصول حسابداری پذیرفته شده عمومی - استانداردهای حسابداری مالی) برای حسابرسی اجتماعی و هیچ معیار تعیین شده ای وجود ندارد، اگرچه برخی استانداردها از گروه های آسیب پذیر مانند کودکان محافظت می کنند اما همچنان نیاز به نظارت و تأیید مستقل کافی احساس می شود. استاندارد پاسخگویی اجتماعی SA 8000 (تعیین شده توسط سازمان بین المللی پاسخگویی اجتماعی مستقر در نیویورک)، اگرچه یک پروژه ممیزی آزمایشی برای معدن در حال بررسی است، اما هنوز به طور خاص به حقوق بشر در بخش معدن نمی پردازد. در حال حاضر استانداردهای موردی، معیارها و گزارشهای انطباق در حال توسعه هستند. به عنوان مثال، برخی از شرکت ها دستورالعمل هایی را در مورد مسائل اجتماعی و زیست محیطی، دستورالعمل هایی را برای رسیدگی به امنیت داخلی و مسائل حقوق بشر تدوین کرده یا در حال توسعه هستند. در استرالیا، گروهی از سازمانهای غیردولتی، اصولی را برای شرکتهای معدنی توسعه دادند که شامل مسائل حقوق بشر، حقوق محیط زیست، حقوق مالکیت و حمایت از حقوق بومیها می باشد. کدهای رفتاری به طور کلی حداقل استانداردهای رفتاری را تعریف می کنند، اما نگرانی هایی وجود دارد مبنی بر این که شرکت هایی که امضاکننده کد ها نیستند، بدون هیچ پیامدی آن ها را نادیده می گیرند. برخی از سازمانهای غیردولتی بر این باورند که تعدادی از شرکتهای اعم از امضاکننده یا غیر امضاکننده، مایل به نظارت مستقل یا راستی آزمایی فعالیتهای خود نیستند. بیانیه های شرکت های چند ملیتی یا کدهایی که می گویند آنها فقط از قوانین ملی تبعیت می کنند نیز به عنوان راهی برای اجتناب از مسئولیت اجتماعی مورد انتقاد قرار می گیرند. اتخاذ استانداردهای موجود که توسط دکترین با تفاسیر ثابت شده پشتیبانی می شود، ممکن است از بروز این مشکل جلوگیری کند. از استانداردهای تثبیت شده می توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، اعلامیه اصول سازمان بین المللی کار، دستورالعمل های OECD در مورد رفتار مسئولانه برای شرکت های چند ملیتی و شرکای سرمایه گذاری مشترک و تامین کنندگان آن ها، همچنین استانداردهای بین المللی در کنوانسیون ها و توصیه های ILO اشاره نمود. ضروری است که بیانیه های اصول شرکتهای معدنی، شامل ذکر مشخصه هایی از اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد حقوق مدنی، سیاسی، حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیونهای اصلی حقوق کودک، رفع تبعیض علیه زنان، رفع تبعیض نژادی، منع شکنجه باشد و همچنین کنوانسیون های اصلی سازمان بین المللی کار، آزادی انجمن ها و غیره را در بر بگیرد. همچنین ضروری است که آن ها فعالیت ها و عملیات خود را برای نظارت و راستی آزمایی مستقل در دسترس عموم قرار دهند. همانطور که در بالا ذکر شد، گنجاندن استانداردهای مورد مذاکره در قراردادهای کار، گامی در

جهت عملی کردن آنهاست. در نهایت از مسائل کلیدی برای شرکت های معدنی در عملکرد آن ها را می توان پاسخگویی، شفافیت و روابط آن ها با جامعه مدنی نام برد.[۴]

تأثیر معاهده و کد داوطلبانه بر قوانین و مقررات محلی

حقوق بین الملل این مسئولیت را بر عهده دولتها گذاشته است تا قوانین و مقررات ملی را برای حمایت از حقوق بشر و ارزیابی مجازاتها علیه افرادی که در نقض حقوق بشر و شریک نقض حقوق بشر شناخته میشوند، تعیین کنند. در برخی از کشورها که نقش نظارتی اغلب به نهادهای ضعیف در سطح ملی در حوزههای قضایی که ممکن است قوانین محلی ناکافی وجود داشته باشد سپرده می شود، اجرای قوانین را سخت و دشوار می نماید. مشکل اصلی و بنیادین در برخی از دولت های میزبان، مقررات و سیستم های قضایی آنها است با این حال، قانون کشور اصلی یک شرکت معدنی میتواند استانداردی جهانی ارائه نماید که در سراسر جهان برای حمایت از حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد، به ویژه در کشورهایی که قوانین کشور میزبان برای مطابقت با رویه های مورد قبول بین المللی شناخته شده کافی نیست. البته، باید در نظر داشت که قانون کشور اصلی شرکت معدن ممکن است سختگیرانه ترین قانون موردی نباشد و شرکت بین المللی باید در کشور دیگری با قوانین سختگیرانه تری فعالیت نماید. این مسائل برای بحث در مورد اینکه آیا قوانین کشور خود لازم است یا خیر، اساسی هستند. قوانین کشور خود، مکمل تلاش های داوطلبانه و کدهای اخلاقی است. استدلال دیگر برای قوانین کشور این است که نقض حقوق بشر مستلزم رسیدگی قانونی است. همانطور که در بالا ذکر شد، دامنه حقوق بین الملل موجود تعهد مستقیمی را برای دولت ها فراهم می کند تا گام های مناسب را برای حمایت از حقوق بشر بردارند. همچنین در مقابل تعهد کشورها، روندی برای ایجاد تعهداتی برای شرکت ها وجود آمده تا گام های مثبتی برای حمایت از حقوق بشر در کشورهایی که در آن فعالیت می کنند، برداشته شود. کدهای رفتار داوطلبانه تلاش می کنند تا رویه های قابل قبول شرکتی را در حوزه حقوق بشر تعریف نماید. برای مثال، پیشنویس دستورالعملهای سازمان ملل برای رفتار شرکتی وجود دارد که توسط کمیسیون حقوق بشر تهیه شده است. دادگاههایی که به موارد نقض حقوق بشر رسیدگی میکنند، برای ایجاد بهترین رویه عموماً پذیرفته شده، از چنین کدهای رفتاری داوطلبانه استفاده می نمایند. مزیت تعهد مستقیم بر اساس قوانین کشور خود، زمانی اتفاق می افتد که دولت میزبان نتواند یا نمیخواهد در صورت وقوع نقض یا نقض حقوق بشر اقدامی انجام دهد. نقطه ضعف کدها این است که فقط بر روی مجموعه محدودی از تعهدات اصلی توافق وجود دارد. این خطر وجود دارد که از وجود مسئولیت شرکتی تحت قوانین کشور خود برای توجیه دولت های شکست خورده از انجام مسئولیت های خود در حمایت از حقوق بشر استفاده شود.[۵]

اصول داوطلبانه ایالات متحده و بریتانیا در مورد امنیت و حقوق بشر

نقض امنیت و حقوق بشر مشخص ترین مجموعه موضوعاتی هستند که در آن روابط شرکت ها با نیروهای امنیتی دولتی یا خصوصی به وضوح قابل مشاهده است. مجموعه گسترده تر روابط شرکتی در ارتباط با امنیت و حقوق بشر شامل رابطه و تعامل شرکت با جامعه و مسائل مربوط به حقوق زمین، دسترسی به منابع و منافع درآمدی برای جامعه (متمایز از دولت منطقهای و ملی) است. در طول دهه ۱۹۹۰، سازمان های غیردولتی، منتقد و مخالف شرکت های استخراج کننده به دلیل تأثیر آنها بر حقوق بشر و جوامع بومی بودند. در اواسط دهه ۱۹۹۰، شرکتهای آمریکایی/بریتانیا در نقض حقوق بشر با نیروهای امنیتی در نیجریه (مانند شورون و شل)، اندونزی (مانند فریپورت مکموران در پاپوآ غربی و اکسون موبیل در

آچه (و کلمبیا) مانند BP) همدست بودند. در مورد این اتهامات پوشش خبری گسترده ای وجود داشت که در ادامه این پژوهش به برخی از آن ها خواهیم پرداخت. چه درست باشد یا غلط، چه منصفانه باشد یا ناعادلانه، ترکیب توجه رسانه ها و سازمانهای غیر دولتی برای سیاست خارجی آمریکا مشکل ساز شد. شهرت ایالات متحده در خطر بود ولی با این وجود شرکت های آمریکایی تمایل و توانایی داشتند که در کشورهای سخت درگیر بمانند. از آنجایی که در مورد نیجریه پیش تر ذکر شد، شرکتهای بین المللی در هنگام فعالیت در کنار دولت میزبان مسئولیت نقض حقوق بشر را بر عهده دارند. شرکت های بین المللی در کنار رژیم های سرکوبگر در اندونزی باعث ایجاد تنش هایی در پاپوآ غربی و آچه با موضوع سیاسی روابط محلی و منطقه ای شده و روابط آنها را با دولت مرکزی و همچنین روابط بین شرکت ها و جامعه مدنی و گروه های قبیله ای در مورد مسائل اجتماعی، زیرساختی، بهداشت، آموزش و حمل و نقل را با مشکلات عدیده ای رو به رو نمود. حقوق بشر و حقوق کار در هم تنیده شده اند. اگرچه شرکتهای دستورالعملهایی برای رسیدگی به امنیت داخلی داشتند، اما تا همین اواخر معمولاً به مسائل حقوق بشر توجه نمیکردند. همانطور که در موارد فوق اشاره شد، از حدود ۱۲ کشور با مشکلات حقوق بشر و امنیتی، سه کشور سردم دار این لیست بودند که عبارتند از: کلمبیا، اندونزی و نیجریه. با وجود این که وزارت امور خارجه ایالات متحده به مسائل مربوط به مسئولیت شرکتی و حقوق بشر دیدگاه کلی داشت، در سال ۱۹۹۹، دولت ایالات متحده تصمیم گرفت که نقش مستقیمی در حل این نوع مسائل داشته باشد. یکی از روش هایی که دولت ایالات متحده اتخاذ نمود سیاست های تشویقی بود. این عوامل تشویق کننده شامل تلاش های دولت برای بازنگری در سیاست ها و شیوه ها و ایجاد تفکر تازه از سازمان های غیردولتی مانند دیده بان حقوق بشر، عفو بین الملل، هشدار بین المللی، انجمن رهبران تجاری شاهزاده ولز و غیره بود. در همان زمان، علاقه فزاینده ای به مسائل مربوط به وزارت خارجه بریتانیا دولتها، شرکتهای و سازمانهای غیردولتی، با همکاری یکدیگر برای رسیدگی به مشکلات متقابل، تمرکز و فرصتی برای توسعه گفت و گو درباره مجموعه ای از موضوعات و یافتن زمینه های مشترک داشتند. شرکتهای بزرگ نفت و معدن، سازمانهای حقوق بشر، مسئولیتهای شرکتی و دولتهای ایالات متحده و بریتانیا تشخیص دادند که قراردادهای معادن باید با امنیت و احترام به حقوق بشر سازگار باشند. در شرایط مرگ و زندگی، آنها به راهنمایی عملی در مورد حقوق بشر نیاز داشتند، و تمایل شرکت ها برای دریافت راهنمایی عملی هم در دفتر مرکزی و هم برای مدیران شرکت در سطح سایت در مورد نحوه رسیدگی به مشکلات وجود داشت. از آنجایی که دو دولت منافع اقتصادی و سیاسی مشترکی با یک دیگر داشتند، این منافع مشترک باعث شد که این شرکت ها در کشورهای دشوار (مانند نیجریه، اندونزی و کلمبیا) به فعالیت خود ادامه دهند، آنها از قدرت تشکیل جلسه خود استفاده کردند که عامل کلیدی برای گرد هم آوردن طرفین برای گفتگو بود. در مارس ۲۰۰۰، در پاسخ به فشارها، هفت شرکت بزرگ نفت و گاز (که پنج شرکت به طور عمومی مشخص شده اند)، دو شرکت معدنی، نه سازمان غیردولتی و دو دولت تصمیم گرفتند بر روی آنچه میتوان در یک سال انجام داد تمرکز کنند. این گروه اصول داوطلبانه در مورد امنیت و حقوق بشر را برای تبلور بهترین شیوه های نوظهور و سیاست خوب (مانند نفت شل و بی پی) و ترکیب آنها با توصیه های سازمان های غیردولتی (به ویژه موارد دیده بان حقوق بشر، هشدار بین المللی و عفو بین الملل) ایجاد کردند و برای ایجاد چارچوبی که نیاز شرکتهای را برای مقابله با تهدیدات امنیتی جدی در مکانهای خطرناک، با اصرار سازمانهای غیردولتی بر اجتناب از سوء استفاده به توافق دست یافتند. احترام به حقوق بشر، هر چیزی غیر از اصول غیر الزام آور داوطلبانه می توانست این بحث را برای شرکت ها و دولت ها غیرقابل قبول نماید زیرا شرکت ها نمی خواستند مشمول دعوی قضایی شوند و دولت ها نیز عمل گرا بودند.

سازمان های غیردولتی باید تصمیم می گرفتند که آیا ارزش مشارکت در فرآیند توسعه اصول داوطلبانه را دارد یا خیر. آيا ارزش آن را دارد که اصول و مبنای استانداردهایی قرار گیرند که می توانند مبنایی برای بهترین عملکرد و بررسی بیشتر شوند. اگر اصول غیر الزام آور داوطلبانه به حمایت از حقوق بشر کمک کند، حتی اگر به طور کامل رعایت نشود، انتخاب دوم بدی برای قانونگذاری نیست. قابل توجه بود که حدود سی نفر از پیشینه های مختلف (یعنی فعالان حقوق بشر و روسای امنیتی شرکت ها) برای دستیابی به یک اجماع آماده همکاری با یکدیگر بودند. حوزه های اصلی، مورد بحث قرار گرفتند و این اصول در دسته بندی های اساسی ذیل سازماندهی شدند:

چالش های دولت میزبان

همانطور که در این پژوهش اشاره شد، چالش های دولت میزبان شامل تاثیر جهانی شدن و تجارت است. انتقادات از حاکمیت ملی، توازن قوا بین دولتهای ملی و نهادهای غیردولتی، خصوصی سازی وظایفی که قبلاً در انحصار دولت ها بود، مقررات زدایی برای جذب سرمایه گذاری، رقابت بین کشورها برای جذب اکتشاف و توسعه معدنی از جمله مشکلاتی است که دولت های میزبان با آن ها مواجه است. انتظارات عمومی به سرعت در حال حرکت است و ظرفیت دولت را برای پاسخگویی به چالش می کشد. این خطر وجود دارد که مقررات بشردوستانه ی شرکتها، دولت را به دلیل اتکا به برنامه های شرکتی و سلب مسئولیت خود، از توان مدیریتی خود خارج نماید. مهم است که وقتی یک شرکت با خدمات محلی درگیر می شود، به جای جایگزینی، از ظرفیت های محلی استفاده نماید. چارچوب های نهادی هنگامی که قوانین موجود یا جدید به تصویب می رسند، نیاز است که نهادها، اطلاعات مربوط به قوانین را منتشر کنند و الزامات آن را به شیوه ای خیرخواهانه و نه خشونت آمیز اجرا نمایند. یک روند نوظهور برای واگذاری قدرت به سطح استانی یا منطقه ای وجود دارد که نیاز به یک چارچوب نهادی مناسب برای اجرای قوانین به شیوه ای روشن و یکسان است. اغلب در چارچوبهای قانونی جدید، این امر بر سیستم تأکید میکند تا قدرت را به اندازه کافی بین ادارات فدرال، استانی، منطقه ای و روستایی پراکنده نماید. فقدان چارچوب های نهادی قوی، دریافت مجوزهای مورد نیاز را برای شرکت های معدنی را می بسیار سخت می کند. چارچوب های نظارتی در جهت اجرای قوانین یک کشور و مدیریت طرح های توسعه محلی و روابط با سرمایه گذاران و جوامع بسیار مورد نیاز است. اغلب دولت ها و مؤسسات، فاقد ظرفیت لازم در نهادهای خود هستند و از کمبود افراد آموزش دیده کافی برای اثبات اجرای شفاف و یکسان در سطح میدانی رنج می برند. در یک ساختار غیرمتمرکز، چارچوبهای قانونی و نظارتی در سطوح مختلف دولت باهم مرتبط هستند. آنها باید طوری ساخته شوند که قدرت از دولت مرکزی به سطوح استانی و روستایی واگذار شود. اگر سیستم ها شفاف نباشند مشکلات عدیده ای به وجود می آید. به عنوان مثال، در اندونزی زمانی که کشور توسط یک دولت صنعتی نظامی یکپارچه اداره می شد که با تجارت سروکار داشت، اگر در معادن مشکلی به وجود می آمد، به دولتی که ارتش را اعزام می کرد شکایت می کردند. امکان بهره برداری از یک عملیات معدنی با همان استاندارد که در کشور خود وجود دارد، بدون تنظیم کننده ها و بازرسان آگاه برای اطمینان از رعایت استانداردها و شرایط، امکان پذیر نیست. این یک شرط ضروری در کشورهای توسعه یافته مانند کانادا، استرالیا و ایالات متحده است. همیشه این مشکل وجود دارد که بازرسان ممکن است برای نادیده گرفتن تخلفات دستمزد دریافت کنند، اگرچه انجام این کار معمولاً در کشورهای توسعه یافته دشوارتر است. برخی از کشورهای در حال توسعه دارای چارچوب های قانونی و نظارتی تثبیت شده و مطبوعاتی هوشیار هستند که هرگونه مشکلی را نظارت و گزارش می کنند. به عنوان مثال، در هند قوانین معدنی و قوانین کار کاملاً تعریف شده ای برای

محافظت از نیروی کار درگیر در فعالیت های معدنی وجود دارد و امکانات پزشکی و سایر امکانات را برای کارگران فراهم می کند. اتحادیه های کارگری هند از منافع کارگری دفاع میکنند و با دولت برای تنظیم سیاستهای کارگری تعامل دارند. با این حال، علیرغم توجه عموماً خوب به شرایط کاری، اجرای عملیات در مقیاس کوچک و از راه دور ممکن است ناقص باشد. معادن فعال در هند ملزم به نگهداری سوابق همه کارکنان هستند و اجازه به کارگیری کودکان زیر ۱۸ سال را ندارند. زنان به انجام کارهای زیرزمینی و کار کردن به مدت بیشتر از هشت ساعت در روز مجاز نیستند. دستمزد و حقوق نیروی کار هر شش ماه یکبار بر اساس شاخص متوسط قیمت مصرف کننده تنظیم می شود. قرارداد کاری تنظیم می شود و مشمول بازرسی و نظارت دولت است. واردات زیاد آزرست ناشی از ممنوعیت استخراج هر یک از ذخایر بزرگ در هند به عنوان نمونه ای از توجه به سلامت و ایمنی در صنعت معدن ذکر شده است. در نتیجه، هیچ مدرکی مبنی بر کاهش الزامات نظارتی هند در رقابت جهانی برای جذب سرمایه گذاری خارجی وجود ندارد. [۷]

ارزیابی ریسک

در پروژه های معدن، نه تنها به تحلیل ریسک تجاری، مالی و سیاسی، بلکه به نحوه عملکرد دولت نیز باید پرداخته شود. شرکتهای نگران بدهی های مالی بالقوه خود از طریق قرار گرفتن در معرض دعوی قضایی هستند، زیرا در مورد نحوه رفتار با محیط اطراف خود باید پاسخگو باشند. تعیین کمیت هزینه ها و مزایای حقوق بشر دشوار است، اما تأثیر بالقوه بر مجوز فعالیت یک انگیزه بسیار مهم است. عواقب دیگر این است که برخی موسسات مالی با آن دسته از شرکتهای صنعت معدن که مسئولانه عمل نمیکند شراکت نخواهند کرد و در نتیجه هزینه سرمایه آنها افزایش مییابد. شرکت هایی که شهرت بدی دارند نمی توانند به منابع مالی دسترسی داشته باشند. سایر ریسکهایی که باعث تبلیغات نامطلوب میشوند و میتوانند منجر به افزایش هزینه های ناشی از فشار برای مسئولیت پذیری اجتماعی بیشتر از جانب کارکنان شرکتهای معدنی و سهامداران آنها شوند. (چند NGO سهام را خریداری میکنند تا بتوانند مسائل را مطرح کنند و مدیریت شرکت را در مجامع عمومی سالانه زیر سوال ببرند) همانطور که مقررات و کدهای رفتاری شرکت با اصول داوطلبانه پدیدار می شوند، موسسات تجاری و چند جانبه اصرار دارند که شرکت ها باید استانداردهای اولیه را رعایت کنند. مجموعه ای از هزینه ها و تعهدات به وجود خواهد آمد و هزینه های بیمه افزایش می یابد زیرا شرکت های بیمه نمی خواهند در قبال فعالیت های غیرمسئولانه مسئولیت پذیر باشند. در نتیجه یک شرکت معدنی با شهرت ضعیف برای مدیریت محیط زیست و روابط با جامعه محلی ناچاراً دسترسی خود را به برخی از ذخایر معدنی کاهش خواهد داد. [۸]

روابط بین شرکت و نیروهای امنیتی دولتی

از موارد عمده مشکلات نیروهای امنیتی دولتی با شرکت های معدنی، می توان به Freeport و معدن آن در اندونزی و موارد مربوط به عملیات نفتی شورون در کلمبیا و شل در نیجریه اشاره نمود. ممکن است عواقب ناخواسته ای وجود داشته باشد که شرکت تصور می کند کاری که انجام می دهد بدون در نظر گرفتن ژئوپلیتیک یا مسائل محلی درست است. در اندونزی، یک شرکت در حال تامین منابع مالی برای فوتبال آماتور بود و در نتیجه استفاده بیش از حد از نیروی پلیس حامی تیم فوتبال محلی، منجر به تنش های قومیتی خشن با تیم مقابل شد. یک شرکت انرژی مدارس را در جهت تحصیل کودکان بومی ساخته بود، برخلاف هدف شرکت سازنده، بعداً توسط ارتش اندونزی برای شکنجه و تحقیقات مورد استفاده قرار گرفت. ارتش اندونزی از شرکت انرژی، بیل مکانیکی در جهت مصارف کشاورزی در خواست کرده بود، اما بعد ها بیل مکانیکی برای حفر قبرهای انسان های بی گناه مورد استفاده قرار گرفت، نتیجهای که شرکت نمیدانست اتفاق خواهد افتاد. نگرانیها در مورد تعامل بین شرکتهای استخراج معدن و ارائه دهندگان امنیت خصوصی اغلب مطرح و به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. مورد Sandline در سال ۱۹۹۷، زمانی که پاپوآ گینه نو قراردادی را برای تصرف

Bougainville برای مزدوران منعقد کرد، توجه جهانی را به خود جلب کرد. قبل از رسیدن مزدوران، ارتش مقامات سندلاین را دستگیر کرد و نخست وزیر استعفا داد. فعالیتهای Executive Outcomes و رابطه آن با شعبه انرژی در سیرالئون، سایر کشورهای آفریقایی و جاهای دیگر موقعیت هایی بودند که کانون توجه عمومی را به خود جلب کردند. بحث در مورد امنیت و حقوق بشر به اندازه کافی گسترده بود تا اصول قابل اجرا فراتر از کشورهایی که بیشترین نگرانی را ایجاد می کردند توسعه یابد. در پایان سال ۲۰۰۰، پس از تنها چهار جلسه یک روزه اما چندین هزار ساعت ورودی، تهیه پیش نویس، مذاکره و بررسی داخلی، این فرآیند اصول داوطلبانه را تولید کرد. تعداد شرکت کنندگانی که در بحث ها شرکت کردند به دو دولت محدود بود (وزارت امور خارجه ایالات متحده-وزارت خارجه بریتانیا) زیرا حامیان مالی مطمئن نبودند که میتوانند در کمتر از یک سال با دولتها و شرکتهای دیگر کار بیشتری انجام دهند [۸]-[۹]

چالش های مهارتی

چالش های مهارتی در تمام جنبه های حقوق بشر وجود دارد. شرکتهای معدنی باید به کارکنان خود در زمینه قوانین رفتاری در مورد مسائل مختلف از جمله احترام به حقوق بشر، قوانین مربوط به عدم تبعیض و آزار جنسی، شرایط کار و دستمزد و فرصتهای توسعه آموزش دهند. نهادهای دولتی ضعیف نیز به آموزش در امور نظارت و بازرسی نیاز دارند. علاوه بر این، برخی از سازمان های غیردولتی نیاز به آموزش و ظرفیت سازی در زمینه ایجاد معیارها، نظارت و تأیید انطباق دارند. برخی از سازمانهای غیردولتی، گروههای محلی را برای مبارزه با نقض حقوق بشر آموزش میدهند و برنامه های آموزشی حقوق بشر را با دستورالعمل هایی برای دسترسی به مکانیسمهای حقوقی بین المللی و رسانه ها ارائه می نمایند. [۹]

آلودگی معادن

موارد مستند زیادی از آلودگی محیط زیست ناشی از عملیات معدنی وجود داشته است که اغلب ناشی از نشت باطله های معدن است. باطله های معدنی موادی هستند که پس از استخراج بخش های با ارزش اقتصادی از مواد باقی می ماند. این مواد اغلب در سدهای باطله بزرگ ذخیره می شوند تا از آسیب زیست محیطی جلوگیری شود زیرا باطله ها اغلب رادیواکتیو، سمی یا اسیدی هستند. باطله شامل مواد با ارزشی است که در فرآیند استخراج استفاده می شود مانند سیانید، جیوه یا آرسنیک. بنابراین، برنامه های معادن مدرن اغلب با هدف حذف این مواد شیمیایی مضر اما ارزشمند برای استفاده مجدد برای جداسازی بیشتر مواد معدنی انجام می شود. این امر علاوه بر بهبود راندمان و کاهش هزینه ها، با کاهش سمیت باطله، خطر آسیب زیست محیطی را به حداقل می رساند. در نتیجه مقررات سختگیرانه بین المللی، آلودگی ناشی از استخراج معادن به طور چشمگیری کاهش یافته است. با این حال، هنوز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که در آن عملیات غیرقانونی در مقیاس کوچک معروف به «معدنسازی صنایع دستی» اتفاق می افتد، این مشکل همچنان ادامه دارد. این عملیات معدنی با تکنولوژی پایین، اغلب ناامن هستند و مدیریت ضعیف سایت ها منجر به آلودگی زیست محیطی در منطقه می شود. مشکلات مرتبط با معدنکاری صنایع دستی همچنان پیچیده است زیرا شناسایی و تعطیل کردن همه این عملیات کوچک دشوار است. علاوه بر این، اگرچه استخراج معادن میتواند منجر به آلودگی زیست محیطی خطرناک شود، اما به رهایی از فقر حدود ۴۰ میلیون نفری که در این صنعت مشارکت دارند کمک میکند. یکی دیگر از مشکلات کلیدی زیست محیطی مرتبط با پروژه های معدنی، تغییر کاربری زمین است که نه تنها از حفاری و حفاری معادن روباز بلکه تغییراتی که در نتیجه توسعه زیرساخت های اطراف رخ می دهد، رخ می دهد. دومی می تواند شامل کمپ هایی برای تامین اسکان برای معدنچیان و همچنین راه آهن و جاده های مورد نیاز برای انتقال مواد معدنی باشد. زیرساخت های

ایجاد شده توسط عملیات معدنکاری در مناظر دوردست و دست نخورده می تواند منجر به دسترسی بهتر به این مناطق شود که ممکن است منجر به اختلال بیشتر ناشی از انسان در سیستم های بوم شناختی محلی شود. تأثیر عملیات معدنکاری بر زمین های اطراف نیز ارتباط نزدیکی با محیط زیست محیطی سایت های معدن دارد. به عنوان مثال، جنگل زدایی جنگل های اولیه ناشی از استخراج سنگ آهن در جنگل های بارانی گرمسیری گابن، احتمالاً در مقایسه با استخراج سنگ آهن در بیابان های شمال استرالیا، آسیب های زیست محیطی ویرانگر و طولانی مدت بیشتری را به همراه خواهد داشت. با این حال، در مقایسه با بسیاری از صنایع دیگر مانند کشاورزی، استخراج معادن از جیبهای نسبتاً کوچکی از زمین استفاده میکند و آینده معدنکاری میتواند به سمت استفاده از تکنیکهایی حرکت کند که مسلماً با استفاده از زمین کمتر و انتشار آلودگی کمتر، حتی کمتر تهاجمی به محیط زیست دارند حرکت نماید. این روشها میتواند شامل استخراج زیرزمینی باشد که در آن سنگ معدن از زیر سطح با ضایعات کم و حداقل زخمهای اکولوژیکی سطح زمین استخراج میشود یا فیتومینینگ که در آن گیاهان غلظت بالایی از فلزات را جمع می کنند که می توانند پردازش شوند. یا حتی استخراج سیارک که در آن مواد از سیارک ها می تواند برای استفاده در زمین برداشت شوند. [۱۰]

۵. بحث و نتیجه گیری

در معنای عام، حقوق بشر در معادن، عبارت است از عدم استثمار و سوء استفاده از افرادی که برای شرکت کار می کنند، به کار نگرفتن پیمانکارانی که از برده داری استفاده می کنند، عدم سوء استفاده از حقوق جامعه محلی و عدم به کار گیری کارگران کودک. سوء استفاده از حقوق بشر در معنای وسیع آن شامل جنبه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر جنبه های وجودی انسان، بزرگترین مشکل خارجی و غیرفنی پیش روی صنعت معدنی امروز است. در این پژوهش به بررسی ابعاد مختلف حقوق بشر در صنعت معدن کاری پرداخته شد و تأثیرات مثبت و منفی این صنعت بر جوامع محلی محیط زیست و حقوق بشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. صنعت معدن کاری به عنوان یکی از منابع اصلی درآمد کشورهای در حال توسعه می تواند فرصتی برای رشد اقتصادی و توسعه پایدار فراهم کند. با این حال، این صنعت با چالش های جدی از جمله نقض حقوق بشر، تخریب محیط زیست و عدم رعایت استانداردهای ایمنی مواجه است. نقش شرکت های معدنی در ارتقاء حقوق بشر و مسئولیت اجتماعی در این زمینه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ضرورت دارد که این شرکت ها ضمن رعایت اصول اخلاقی و قانونی به حقوق کارگران و جوامع محلی احترام بگذارند و اقداماتی را برای کاهش آسیب های زیست محیطی انجام دهند. همچنین شفافیت در فرایندهای استخراج و تعامل با جوامع محلی میتواند به بهبود شرایط زندگی و افزایش اعتماد عمومی کمک نماید. علاوه بر این دولت ها نیز باید با وضع قوانین و مقررات مناسب نظارت بر فعالیت های معدنی را تقویت کرده و از اجرایی شدن حقوق بشر در این صنعت اطمینان حاصل کنند. تقویت همکاری های بین المللی و حمایت از سازمان های غیر دولتی که در زمینه حقوق بشر فعالیت می کنند، می تواند به بهبود شرایط موجود کمک نماید. در نهایت برای دستیابی به توسعه پایدار در صنعت معدن، ضروری است که تمامی ذینفعان از جمله دولت ها، شرکت ها و جوامع محلی به طور مشترک و در یک راستا اقدام نمایند. تنها در این

صورت است که میتوان به یک مدل توسعه ای دست یافت که ضمن حفظ حقوق بشر به رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست نیز توجه کند.

۶. منابع و مآخذ

۱. جلیلی، آرزو و مشیری، اسمعیل. (۱۳۹۲). ابتکارات ذهنی در بکارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۲، شماره ۶، ۴۱-۵۰.
۲. حسینی، سید صمد؛ کرمی، اژدر و نیکخواه تکمه‌دانش، یونس. (۱۳۹۷). مدل‌سازی معادلات ساختاری با *Smart PLS* V3. رویکرد پایان‌نامه‌نویسی و مقاله‌نویسی. چاپ اول، تهران: انتشارات اندیشه فاضل.
۳. مقیمی، سید محمد. (۱۳۹۴). مبانی سازمان و مدیریت. چاپ سوم، تهران: انتشارات راه‌دان.
۴. رجبی، روح‌الله؛ قربانی، محمود و شعبانی، کیوان. (۱۳۹۴). رابطه هزینه حسابرسی مستقل با کیفیت سود و استقلال هیئت مدیره در بازار بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۹، ۱۰۹-۱۲۶.

[۱] Simon D. Handelsman "Human Rights in the Minerals Industry" commissioned by the MMSD, January 2002

[۲] THEO. F. VAN WAGENEN, E. M. "INTERNATIONAL MINING LAW, McGRAW-HILL BOOK COMPANY, 1918

[۳] George Odhiambo Konguka, ²Samson Okoth Ayugi "FORMALIZATION OF MINING RIGHTS IN THE EAST AFRICAN COMMUNITY" African Journal on Land Policy and Geospatial Sciences ISSN: 2657-2664, 24 May 2022

[۴] LAWYERS FOR HUMAN RIGHTS "Mining and your Community: Know your Environmental Rights" Centre for Environmental Rights, 2014

[۵] Pact Global UK Ravenswood, Baileys Lane Westcombe "The Impact of Small-Scale Mining Operations on Economies and a Livelihoods in Low- to Middle-Income Countries" funded by the UK Department for International Development, January 2018

[۶] Roland Brown and Mike Faber "Some Policy and Legal issues affecting Mining Legislation and Agreements in African Commonwealth Countries" Commonwealth Secretariat, 2018

[۷] Gracelin Baskaran "Why Responsible Mining Is a Human Rights Imperative" CENTER FOR STRATEGIC & INTERNATIONAL STUDIES, November 29, 2023

[۸] Oliver Irwin "Mining Laws and Regulations" International Business Reports are published by: Global Legal Group, 17/09/2024

[۹] Kojo Busia, Ph.D. "Modern Mining Law and Policy: Global Trends" United Nations Economic Commission for Africa (UNECA) Addis Ababa, Ethiopia, 2015

[۱۰] Chuck Jeannes "Global Mining Law" James E. Rogers College of Law, 2024

Human rights in the mining industry

Ata Asghar Salehi

Abstract

Human rights, as one of the most important social and political issues in the 20th and 21st centuries, have always attracted the attention of researchers, social activists and governments. These rights include freedom, equality and human dignity, and have gained special importance especially in the economic and environmental fields. One of the specific areas in which human rights are severely affected is the mining industry. Minerals, as key sources for providing raw materials for many industries, play a fundamental role in the economic development of countries. However, the extraction and exploitation of these resources can have serious consequences for human rights, especially the rights of local communities, the environment and workers. In many countries, mining activities have been associated with human rights violations; including forced displacement of local communities, environmental pollution and inadequate working conditions for workers. This article, in accordance with the theoretical nature of the research subject, is compiled in a descriptive and analytical manner and examines the human rights challenges arising from mining activities. We will first examine the fundamental principles of human rights and how they affect the mining industry, then analyze specific examples of human rights violations in this industry, and finally, possible solutions to improve the current situation and ensure respect for human rights in mining activities will be examined. Given the increasing importance of paying attention to human rights in economic and environmental policy-making, this research can contribute to a deeper understanding of the challenges and opportunities in the field of human rights and mining, and provide practical solutions for promoting social justice and protecting human rights in this area

Keywords

Human rights, mining rights, voluntary principles, mining pollution

Master's student in international trade law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.
(ata.asghar.salehii@gmail.com).